



ارگان مرکزی

حزب کمونیست افغانستان

برای انقلاب کردن بحزب انقلابی احتیاج است بدون یک حزب انقلابی ، بدون حزب انقلابی ای که براساس تنوری انقلابی مارکسیزم لنینیسم مائویسم و به سبک انقلابی مارکسیستی لنینیستی مائویستی پایه گذاری شده باشد، نمی توان طبقه کارگر و توده های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیری اش رهبری کرد مائوتسه دون

سال

ماه ثور

دوره دوم

شماره بیست و دوم

فرخنده باد نهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست افغانستان

اینک با فرارسیدن اول ماه می 2000 ، نهمین سالگرد تاسیس حزب مان را جشن می گیریم . نه سال قبل از امروز، در اول ماه می 1991، کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان ، مرامنامه و اساسنامه حزب را به تصویب رساند، و ایجاد حزب را اعلام نمود.

در طول نه سال گذشته ، حزب ما از خلال پیچ و خم ها و مساعدت ها و نا مساعدت های متعدد، در فاش مبارزاتی کمونیسم انقلابی (مارکسیزم – لنینیسم – مائویسم) را با سربلندی و شجاعت برافراشته نگه داشته و در مسیر کارو پیکار انقلابی اش به دستاوردهائی نائل آمده و صدماتی را متحمل گردیده است .

مسلم است که دستاوردهای به کف آمده در اساس نتیجه ایستادگی و پافشاری اصولی روی مواضع ایدئولوژیک، برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی یعنی مارکسیزم – لنینیسم – مائویسم ، انقلاب دموکراتیک نوین و جنگ خلق بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود . از جانب دیگر، صدمات وارده اگر از یک جهت و یا در موارد معینی، در اثر نامساعدت های عینی و ذهنی عمومی به میان آمده اند ، از جهت دیگر و یا در موارد معین دیگری، به علت عدم ایستادگی کافی و پافشاری لازم روی ایدئولوژی ، برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی و یا بروز انحرافات و کجروی ها به درجات و اندازه ها و فزونی های مختلف در میان حزب ، تبارز یافته اند .

اما علیرغم این فراز و نشیب ها و به " چپ " و راست رفتن ها ، حزب ما با غرور و افتخار نشان داده است که بر خط انقلاب استوار و محکم ره می پوید و نه تنها با قاطعیت و استواری علیه ارتجاع و امپریالیسم می رزد، بلکه این آمادگی و جرئت را نیز دارد که در صورت بروز خط ارتجاعي و ضد انقلابی و جبهه سا برآستان منحوس مرتجعین و امپریالیست ها از درون خودش، با تکیه بر پیشبرد اصولی مبارزه دو خط و با تصفیه قاطع خط ارتجاعي و ضد انقلابی، پاکیزگی و صفای انقلابی خود را حفظ نموده و بیشتر از پیش صیقل دهد .

این چنین است که در مسیر تلاش برای زدودن نارسائی ها و ناتوانی های مان، بخاطر پاسخدهی مناسب و نیرومند اصولی به ضرورت ها و نیازمندی های آنی و آتی مبارزات انقلابی، نهمین سالگرد تاسیس حزب مانرا با مباحثات و سرفرازی و با تقدیم تبریکات رفیقانه به تمامی کمونیست های افغانستان و جهان جشن می گیریم .

یکی از صدمات وارده بر حزب ما ، بازماندن ارگان مرکزی حزب (شعله جاوید) در طی دو سال گذشته از انتشار بود . حال که قادر شده ایم از ادامه بیشتر این صدمه ناگوار جلوگیری نمائیم، عزم ما بر این است که " شعله جاوید" را بصورت ماهنامه منتشر نمائیم . هر چند ممکن است صفحات هر شماره از این ماهنامه محدود باشد، اما با تکیه بر تجارب مبارزاتی نه ساله حزب، تطبیق مرام نشراتی جریده - مندرج در شماره اول " شعله جاوید" - با عمق و گستردگی بیشتری در آن پیش خواهد رفت و بر علاوه خلاء عدم موجودیت يك نشریه کمونیستی منظم در افغانستان که حتی الامکان زود به زود منتشر گردد، توسط آن مرفوع خواهد شد .

امیدواریم شکستادن سکوت دوساله " شعله جاوید" و اعلام تبدیل شدن آن از يك نشریه غیرموقوته به يك ماهنامه درنهمین سالگرد تاسیس حزب ما ، تجلیل از روز تاسیس حزب را با شکوه ترورزمنده تر سازد.

زنده باد حزب کمونیست افغانستان !

زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم!

زنده باد کمونیزم !

نهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست افغانستان را گرامی داریم

زنده باد جنبش بین المللی کارگران جهان

یکباردیگر، روز بین المللی کارگران جهان، روز اول ماه می، روز تجدید عهد و پیمان کمونیست های انقلابی و پرولتراهی آگاه بر سر ایده آل های انقلابی و روز تجدید و تحکیم مجدد تعهد مشترک برای سرنگونی همه و همه جانبه اشکال مختلف ستم در جامعه بشری و ایجاد جهان فارغ از استعمار و ستم فرا رسید .

از زمان تعیین روز اول ماه می بعنوان روز بین المللی کارگران توسط کنگره اول انترناسیونال دوم در سال 1889 تا حال، در طول تمام سالهای سپری شده صدوده سال، در روز اول ماه می، در میدان های جنگ مردمی، در تظاهرات و میتنگ های توده یی، در سخنرانی ها و اعلامیه ها و نشرات انقلابی و ... این تجدید عهد و پیمان دیرین به عمل آمده است.

امسال نیز چنین است . مارش ظفرنمون جنگجویان انقلابی " آند" را بنگرید . امواج نیرومند سربازان مردمی " همالایا" را به تماشا بنشینید ، تظاهرات بین المللی و توده یی خشمگین برلین را نظاره کنید، صفوف جنگاوران جنگل های فیلیپین ، مزارع هند و بنگله دیش، کوهستانات ترکیه و... را مشاهده نمائید و تظاهرات و میتنگ ها و نشرات و اعلامیه ها و سخنرانی های چهار گوشه دنیا را ببینید . گرچه میدان های سرخ ماسکو و تیان یامین پکن را موقتا از دست داده ایم ، اما نبرد ادامه دارد و ادامه خواهد یافت . ما محکومیم نکه بر سر عهد و پیمان مان بایستیم و محکومیم که در فرجام نبرد پیروز مند و فاتح باشیم .

ما ، نه سال پیش از امروز، در اول ماه می 1991 ، در کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان ، عهد و پیمانی بستیم سنگین و وزین . رزمیدن تا پای جان . قطعنامه کنگره مؤسس حزب کمونیست افغانستان، صحنه انعقاد این عهد و پیمان را اینگونه به قلم آورده است :

"رفقا ، در حالیکه مرانامه و اساسنامه " حزب کمونیست افغانستان روی دست رفیقی قرار داشت بیخاستند و در حالیکه بصورت فشرده ای بالای آن دست روی دست همدیگر گذاشته بودند و همگی در حالت منقلب و اشک ریزان قرار داشتند، با ادای سوگند کمونیستی ، تعهد سپردند که در راه انتخاب شده تا پای جان خواهند رزمید."

همچنین صحنه در نامه کنگره به یاران مان در کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی با شور و هیجان خاصی بیان گردیده است :

" آنگاه رفقا بپا خاستند و روی " مرانامه حزب کمونیست افغانستان " و " اساسنامه حزب کمونیست افغانستان " دست روی دست همدیگر گذاشتند. یاد گذشته ها و گذشتگان، فشار خاطره های سال های دردآلود و رنج آور دوران جوانی، سنگینی بار مسئولیت سترگی که بردوش ها افتاده بود، یکجا با تصاویر زیبایی آرزوها ، رویا ها و آرمانهای بزرگ، قلب ها را فشرد و به تب و تاب انداخت ، شانه ها را مرتعش ساخت ، بغض گلوها را درهم پیچاند، آب دیدگان را سرازیر ساخت و درچنین حالتی با متانت، سنگینی و استواری سوگند کمونیستی بزرگ رزمیدن تا پای جان درراه آرمان، برزبان ها جاری شد. غم ها و شادی ها، نفرت ها و محبت ها و یادها و خواست هادرم گره خورد و شوریده حالی یاران ساعتها دوام نمود. بدین سان حزب پیشآهنگ پرولتری درافغانستان با درون مایه ای از علم انقلاب ، پایه ای از تعهد خرائین انقلابیون کمونیست و آب و رنگ زیبایی عواطف و احساسات عالی انسان های نوین زاده شد . همه مانرا مبارک باد ! "

عرصه کارزار پرفرازونشیب است و مسیر نبرد مملو از پیچ و خم . اما هر چه بوده است ، هر چه باشد و هر چه خواهد بود، در هر حال و احوالی، بر سر آنچه پیمان بسته ایم و تعهد سپرده ایم، استوار و پابرجا می ایستیم .

مابرسر اساسات ایدئولوژیک - سیاسی پنجگانه یعنی: 1- ماهیت پرولتری حزب، 2- ایدئولوژی رهنما (مارکسیزم - لنینیسم - مائوئیسم) ، 3- مسیر انقلابی مداوم یعنی انقلاب دموکراتیک نوین، گذار به سوسیالیسم و حرکت بسوی کمونیسم، 4- استراتژی مبارزاتی (جنگ خلق) و 5- انترناسیونالیسم پرولتری، پیمان بسته ایم. ما بر اصول تشکیلاتی چهارگانه کمونیستی یعنی 1 - سانترالیزم دموکراتیک، 2 - انتقاد و انتقاد از خود، 3 - نفی فراکسیونیزم، و 4 - مبارزه دوخط ، متعهد شده ایم. همین راه و همین راه را دیروز برگزیده ایم، امروز در آن ره نوردیم و فردا نیز در آن ره خواهیم پویید .

محور عمده ایستادگی و استواری بر سر این راه در حال حاضر چیست؟ به یقین درک ضرورت عمده مبارزاتی مرحله فعلی. ما در چه مرحله ای قرار داریم؟ در مرحله تدارک برای برپایی و پیشبرد جنگ خلق. پیشبرد موفقانه این کار تدارکی ضرورت عمده مبارزاتی مرحله فعلی کار و پیکارمان را می سازد که قبل از همه در تلاش برای ساختمان و استحکام ساختمان حزب متبلور می گردد.

چگونه باید ساختمان و استحکام ساختمان حزب را پیشبرد؟ از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک از طریق تکیه استوار بر خط ایدئولوژیک ، برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی و از لحاظ تشکیلاتی از طریق انکاء قاطع بر اصول تشکیلاتی پرولتری و صف فشردن انقلابیون دارای سه توانمندی (دانستن ، خواستن و توانستن) در رابطه با انقلاب و وظایف انقلابی .

تجارت مبارزاتی بین المللی و تجارب مبارزاتی نه ساله خود ما به خوبی و روشنی نشان می دهند که غفلت از این مسایل دارای اهمیت حیاتی ، فقط و فقط می تواند در مسیر مبارزاتی ما اشکالات و موانع خورد و بزرگ ایجاد نماید و امر ما را دچار صدمه و نقصان سازد.

نمی شود دم از ساختمان و استحکام ساختمان حزب زد ولی روی ایدئولوژی برنامه سیاسی و استراتژی مبارزاتی حزب قاطعانه و استوار نایستاد. نمی توان دم از ساختمان و استحکام ساختمان حزب زد ولی روی اصول تشکیلاتی حزب تکیه اساسی و پافشاری اصولی ننمود. نمی توان دم از ساختمان و استحکام ساختمان حزب زد ولی روی ترکیب اعضای حزب از لحاظ توانمندی ها و آمادگی های مبارزاتی بی مبالاتی و سهل انگاری در پیش گرفت .

با عزم استوار در اجرای وظایف مبارزاتی فوق ، جشن امسال را تجلیل می کنیم .

قطعه‌نامه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی
 قرن بیست و یکم ، قرن برپایی جنگ های خلق
 برقراری سوسیالیسم و راهگشایی بسوی کمونیزم است

1- امپریالیست ها و نوکران شان از ما می خواهند فرارسیدن هزاره جدید را جشن بگیریم . بسیار خوب ! اما هزاره چه کسی را ؟ هزاره این انگل ها ، یا هزاره توده های که همه چیز را آفریده اند؟ و چگونه باید این جشن را برگزار کنیم؟ آیا باید در سالون های ضیافت شان ، درحالیکه ثمرات رنج ما را می بلعند و بر استخوان قربانیان خود می رقصند ، منتظر و نظاره گر اینان باشیم ؟ آیا باید صدای گوش خراش ماشین های جنگی آنان که تی همین امروز بذر مرگ و ویرانی می پاشند را تحمل کنیم ؟ آیا باید قرن ها استثمار غیرانسانی ، غارت و جنگ های اشغالگرانه را فراموش کنیم؟ آیا باید تحمیل کشتار و فلاکت غیر قابل تصور به میلیاردها انسان را فراموش کنیم؟ آشویتس ها و هبروشیما ها را فراموش کنیم ؟

2 – از نظر ستمگران، تاریخ با استقرار بساط ستمگری خود شان آغاز می شود . ازین رو مذبحخانه می کوشند حیات گذرای شان را با جلوگیری از گردش عقربه زمان ، جاودانه سازند . می کوشند به دلخواه آنچه می خواهند بردفتر زمانه بنویسند . اما مارش بشری بی وقفه ادامه دارد . تاریخ به ما نشان می دهد که تقویم مبارزه طبقاتی ضرورتا تاج ها و تقویم های منسوخ را بی اعتنا کنار می زند و بطور مستمر راه خود را از مسیر پرفراز و نشیب ، باز می کند . چنین بوده و چنین نیز خواهد بود . تا زمانیکه استثمار و ستم یکبار برای همیشه نابود شود . تقویم مبارزه طبقاتی نشانگر چیست ؟

3 – حماسه هایی که قهرمانانش نه شاهان و قدیسان ، بلکه داغ لعنت خوردگان جهان اند . شورش ها و قیام ها مرتباً در این یا آن گوشه کره خاکی بر پاگشته ، شکست خورده و به صلیب کشیده شده اند ، اما بی وقفه سر بلند کرده اند ، آرامش طلبی و اعطای فریبکار مذهبی را بر ملا ساخته و خواب خود حاکمان را برهم زده اند . بی قرون ، ستمدیدگان امید و آرزوی رهایی از رنج و فلاکت را در دل داشتند و درگیرودار مصائب زندگی خاطرات جوامع عاری از استثمار گذشته های دور تاریخ بشر را ستایش می کردند . هنر و موسیقی زنده توده ها ، رویای سپیده دمی بود که از پی تیرگی ها فراخواهد رسید . آنان علیه ستم ها بپا خاستند ، با اربابان جنگیدند و زندگی نوینی را طلب کردند . همین و همین مبارزه ، همین تلاش خستگی ناپذیر برای خاتمه بخشیدن به استثمار وحشیانه و شرایط غیرانسانی موتور پیشرفت نوع بشر بوده است . این را هرگز نباید فراموش کرد . اما ثمرات این مبارزات هیچگاه نصیب توده ها ند و هر بار امواج آزادی توسط استثمار گران جدید غصب شد و به زنجیرهای بردگی نوین تبدیل گردید .

4 – هزاران سال مبارزه پشت سر گذاشته شد ، جوامع از دل آتش و خون بارها تجدید آرایش شدند ، تا اینکه سرانجام پاسخ نهایی از دل این تغییر و تحولات بیرون آمد . پرولتاریا ، طبقه ای که زاده سرمایه داری است و رسالتش آن است که گورکن سرمایه داری باشد . پرولتاریا ، یک طبقه انترناسیونالیست و واپسین طبقه اجتماعی است . طبقه ای است که فقط از طریق رهاکردن کل نوع بشر می تواند خود را رها سازد . ظهور پرولتاریا و مبارزاتش ایدئولوژی این طبقه رانیز به ظهور رساند . مارکسیزم – لنینیزم سنتز دایمانه مبارزات ، افکار و تجارب است که تماماً در خدمت پرولتاریا و رسالت تاریخی اش قرار دارد . مارکسیزم آشکار کرد که تاریخ پر فراز و نشیب بشر تاریخ مبارزات طبقاتی است . آشکار شد که ادعای جاودانه بودند نظام استثمار هیچ چیز جز ژستهای مذبحخانه یک نظم محتضر نیست . اکنون مارش بشری می توانست آگاهانه به پیش رود و بی باکانه به دژهای ارتجاع هجوم برد . بگذارید نگاهی بیندازیم به چند صفحه سرخ این تقویم

که از اواخر قرن نوزدهم گشوده شد: انتشار "مانیفیست کمونیست"، تاسیس انترناسیونال اول، انتشار "کاپیتال" (مارکس) که کارکرد نظام سرمایه داری را به وضوح تشریح کرد و مرگ محتوم آنرا آشکار ساخت. روزهای قهرمانانه کمون پاریس تاسیس انترناسیونال دوم که اول ماه مه را بعنوان روز جهانی کارگر و هشت مارچ را به عنوان روز جهانی زن اعلام کرد و مبارزه برای هشت ساعت کار در روز را به سرانجام رساند. و همه این ها در عرض فقط پنجاه سال صورت گرفت! کدام طبقه را در تاریخ سراغ دارید که طی مدت زمانی چنین کوتاه، این همه دستاورد داشته باشد؟ و تازه اینها فقط شلیه های نخستین نبرد بود.

5 – اما در آغاز قرن قبل، یعنی قرن بیستم، امپریالیست ها و نوکران آنان – درست مثل امروز – متفرعانه تولد "قرن خویش" را جشن گرفتند. آنان به گوشه و کنار نظر می انداختند و دنیائی را می دیدند که زیر چکمه های شان اسیر است. فرود بیرحمانه سرنیزه های سرمایه مالی پیکر افریقا، آسیا و آمریکای لاتین را از هم می درید. جنگ از چهره اروپا رخ بر بسته بود. رویزیونیست های انترناسیونال دوم سرگرم زد و بند های با کارفرمایان بودند و بر آتش خشم طبقه کارگر آب می پاشیدند. آغاز دوران رشد اقتصادی بی سابقه و دست یابی به فوق سودهای عظیم تراز همیشه پیش بینی می شد. امپریالیست ها در سال 1900 این چنین به دنیا می نگریستند. اما هنوز بیست سال از آغاز قرن بیستم نگذشته بود که همه این تصورات باد هوا شد. جنگ سراسر اروپا را در بر گرفت. تاج ها بر سنگفرش خیابان ها غلطیدند. انقلاب اکتوبر، اتحاد شوروی سوسیالیستی را بوجود آورد و شلیک توپهایش، مارکسیزم – لنینیسم را بمثابه دومین مرحله مارکسیزم برای مردم ستمدیده دنیا به ارمغان آورد. با ظهور انترناسیونال سوم، بنای سازش طبقاتی که توسط رویزیونیست ها برپاشده بود فرو ریخت. کارگران و دهقانان اتحاد شوروی با در دست داشتن قدرت سیاسی شروع به ساختن یک نظام اجتماعی – اقتصادی کاملاً نوین گردید که در هارابه روی رشد حیرت انگیز نیروهای تولیدی گشود. مزارع و کارخانجات دیگرزنجیری بردست و پاي توده های زحمتکش نبود، بلکه به ابزاری برای متحول کردن جامعه توسط آنان تبدیل شدند. ساختمان سوسیالیزم در اتحاد شوروی گام های نخستین در ترسیم راه رسیدن به جامعه عاری از استثمار بود.

6 – امپریالیست ها موفق به مهار شعله های انقلاب و رهائی ملی در اغلب کشورها شدند. آنان به لاف زنی پرداختند که جلو انقلاب را گرفته اند. اما آرامش امپریالیست ها دیری نپایید. بحران، فاشیسم، یک جنگ جهانی دیگر و انقلابات بیشتر فرا رسید. در نتیجه پیروزی انقلاب چین، یک چهارم نوع بشر آزاد شد. این انقلاب، راه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشورهای تحت سلطه را بنیان نهاد و دانش نظامی تکامل یافته ای را برای پرولترهای سراسر دنیا به ارمغان آورد که همانا "جنگ خلق" است. اردوگاه سوسیالیزم که یک سوم اهالی جهان را در خود جای داده بود به ظهور رسید امپریالیست ها و نوکران شان برای درهم شکستن مبارزات رهائی بخش خلق های تحت ستم تلاش کردند و نمایش فریب کارانه "اعطای استقلال" به راه اندختند. اما ملل تحت ستم همچنان مراکز توفانی انقلاب پرولتری جهانی باقی ماندند. تحت رهبری مائوتسه دون یک خیرش انقلابی بی سابقه یعنی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتریائی انجام گرفت. در این انقلاب ده ها میلیون کارگر، دهقان و جوان انقلابی رهروان سرمایه داری را سرنگون کردند و گام های عظیمی در راه متحول کردن جامعه بشری بسوی آینده کمونیستی برداشتند. بسوی آینده ای که در آن تمام تمایزات و آثار و نشانه های استثمار طبقاتی بطور کامل محو می شود.

7 – امپریالیسم و ارتجاع و رویزیونیسم یک صدا عربده می کشند که "این ها ماجراهای قدیمی است، ما اول اتحاد شوروی تانرا ربودیم و سپس چین تانرا مجدداً به چنگ آوردیم. دنیا مطمئنانه درمشت ما است و طی قرون آتی نیز متعلق به ما خواهد بود. "بله! قبلاً هم این لاف های متفرعانه را شنیده ایم. مگر بعد از کشتار کمونارهای پاریس همین حرف ها را نزدند؟ و دیدیم که

فقط چند ده سال بعد سراسیمه از میدان های نبرد اکتوبر سرخ روسیه پا به فرار گزاردند . مگروقتی که سگهای رویونیست در اتحاد شوروی سوسیالیستی قدرت را غصب کردند همین حرف ها را نشنیدیم ؟ و دیدیم که کمی بعد در برابر امواج قدرتمند انقلاب کبیر پرولتاریائی در چین سراسیمه و زخم خورده فرار را برقرار ترجیح دادند . انقلاب فرهنگی مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم را به مثابه مرحله جدید ایدئولوژی پرولتاری ، سومین و بالا ترین مرحله آن ، در سراسر دنیا اشاعه داد و موج عظیمی از خیزش ها و قیام های انقلابی را برانگیخت .

حتی امروز هم که امپریالیست ها متفرعانه لاف پیروزی می زنند ، جنگ خلق های مائوئیستی با گذار از پیچ و خم ها در حال پیشروی هستند و ضربات سختی بر پیکر نظام کهن وارد می آورند . جنگ خلق های بیشتری در راه هستند . مارکسیست - لنینیست - مائوئیست ها متحد در " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " به پیش می روند تا مائوئیزم را بمتابه فرمانده و راهنمای موج نوین و در حال ظهور انقلاب پرولتاری جهانی تثبیت کنند . مائوئیزم در وجود احزاب کمونیست که برای هدایت و رهبری این موج عظیم نوین بوجود می آیند ، تجسم می یابد . " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " از طریق احزاب و سازمان های عضو و اوطلب عضویت و هوادارانش در چهار گوشه جهان حضور دارد ، از ایران گرفته تا کلمبیا از بنگلادش و سریلانکا تا آمریکا و ایتالیا ، از ترکیه و افغانستان تا هند و نیز در نقاط دیگر از آفریقا ، منطقه کارائیب و اروپا . در پرو و نیپال ، پرولتاریا تحت رهبری احزاب پیشاهنگ مائوئیست خود که عضو " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " اند بار دیگر قدرت سیاسی سرخ توده ها را در مناطق وسیع روستائی برقرار کرده است .

8 - این مناطق دور افتاده است ؟ کم اهمیت است ؟ مطمئنا برای پرولتاریای آگاه و توده های تحت ستم و استثمار سراسر دنیا چنین نیست . پیروزی های الهام بخش در پرو و نیپال همانقدر دور افتاده اند که منطقه پایگاهی " یان " در چین بود . این مناطق از طریق مبارزه سخت و خونین برای برافراشتن پرچم مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم ، دفاع از آن و بکار بست آن ، فتح شده اند . این مناطق از طریق جانفشانی در راه خلق و درهم شکستن کارزار های محاصره و سرکوب و حشیانه دشمن ، ایجاد شده اند . نبرد بر سر " احیاء و ضد احیاء " در پرو و نیپال در جریان است ، که طی آن مرتجعین می کوشند قدرت سیاسی سرخ خلق را نابود کنند و جنگ خلق برای دفاع از مناطق پایگاهی که حاکمیت خلق در آنجا برقرار شده و گسترش آن به پیش میرود . در ترکیه تفنگ های چریک های دهقانی تحت رهبری مائوئیست های حزب کمونیست ترکیه (مارکسیست - لنینیست) راه برقراری مناطق پایگاهی سرخ را می گشایند . در کشورهای تحت سلطه ، احزاب مائوئیست جدید عضو " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " تشکیل شده و احزاب دیگر آن تقویت می شوند . علاوه بر نیرو های درون " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " ، نیرو های انقلابی و مائوئیست بیرون از آن در فیلیپین ، هند ، بنگله دیش و سایر کشورها ، مبارزات مسلحانه انقلابی را به پیش می برند . در اعماق کشورهای امپریالیستی " حفار دیرینه انقلاب " از طریق ایجاد و تقویت احزاب مائوئیست نقب می زنند . برای کسانی که بخواهند ببینند ، شواهد روشنی از پیشروی انقلاب در سراسر دنیا وجود دارد .

9 - آینده روشن است ، اما مسلما راه پر پیچ و خم ماست . ما مائوئیست ها از بیان این واقعیت ، هراس نداریم . ما پیروان مائوتسه دون هستیم که چنین می آموزد : " سختی در کار جهان هرگز ، تنها باید صعود به قله ها را جرئت کنی ! " دستاورد های شکوهمند گردان پیشرو ما در پرو ، گواه زنده این گفته مائو است . حزب کمونیست پرو بعد از دستگیری صدرش در سال 1992 با اوضاع مشکل مواجه شد . اما سخنرانی قدرتمند و الهام بخش صد گونزالو در اسارت که روز 24 سپتامبر 1992 ایراد شد ، شادی را به کام دشمنان زهر کرد . او قدرت ماتریالیستی خوش بینی انقلابی و روحیه کمونیستی را به نمایش گذاشت و خاطر نشان کرد که این ضربه فقط " پیچی در

جاده است " . او اعلام کرد که : " راه طولانی است و ما باید به سرمنزل مقصود برسیم . باید پیروز شویم . " حزب کمونیست پرو در مواجهه با کارزار های سرکوب گرانه دشمن بر راه جنگ خلق پای فشرد ، حملات پلید خط اپورتونیستی راست را که با دشمن همکاری می کند و فراخوان خاتمه جنگ از طریق دست یابی به یک " توافق صلح " را می دهد در هم کوید و تبلیغات دشمن را که می گوید صدر گونزالو شخصا فراخوان " توافقات صلح " را داده است ، نقش برآب کرد . هیچ گواهی که بتواند این ادعای دشمن را ثابت کند وجود ندارد و حزب کمونیست پرو آن را صحنه سازی دشمن خوانده و محکوم کرده است .

10 – در ماه مارچ 1995 ، " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " در شرایط حبس انفرادی مطلق و خشونت بار صد گونزالو ، فراخوانی تحت عنوان " با تمام قوا از درفش سرخ مان که در پرو به اهتزاز است دفاع کنیم " و در رد خط اپورتونیستی راست انتشار داد و خاطر نشان کرد که : " ... مکاتبات غیر مستقیم و غیر قابل تأیید که به صدر گونزالو و بمثابه افکار وی نسبت داده می شود نمی تواند مورد قبول هیچکس واقع شود... نبرد برای خاتمه حبس انفرادی وی باید ادامه یابد . " توده های انقلابی سراسر جهان به خوبی می دانند رژیم فوجیموری که حزب کمونیست پرو آن را بمثابه یک رژیم فاشیستی کشتارگر و وطن فروش محکوم می کند ، به خاطر قتل عام ها و دروغ پردازی هایش شهره عام و خاص است .

11 – امروز بعد از دستگیری رفیق فلیسیانو ، رفیق خولیو رهبر کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو است . حزب کمونیست پرو از خط سرخ صدر گونزالو دفاع کرده و بر راه جنگ خلق پای فشرد و آنرا توسعه داده است . حزب کمونیست پرو اعلام کرده که جنگ خلق اینک " پیچی در جاده " را که در مرحله تعادل استراتژیکی ایجاد شده بود پشت سر نهاده و بی وقفه بسوی کسب قدرت در سراسر کشور به پیش می رود . " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " کارزار های دفاع از جنگ خلق در پرو ، دفاع از جان صدر گونزالو ، و رد خط اپورتونیستی راست را در سطح جهانی سازمان داده است . با توجه به گزارشات مبنی بر خطر فزاینده ای که جان صدر گونزالو را تهدید می کند ، " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " همگام با حزب کمونیست پرو و مردم پرو از رژیم فوجیموری می خواهد که وی را در برابر نمایندگان مطبوعات و رسانه های تلویزیونی داخلی و خارجی قرار دهد که وی بتواند بطور مستقیم بیانیه ای ایراد کند . " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " عزم خود به پیشبرد مبارزه در پشتیبانی از جنگ خلق و دفاع از جان صدر گونزالو – و در پیوند با آن دفاع از جان رفیق فلیسیانو- را مورد تأکید مجدد قرار می دهد .

12 – اگر امپریالیست ها و نوکران شان رویای مهار کردن جنگ خلق در پرو را در سر داشتند ، اینک شبخ دیگری را بالای سر خود می بینند . هیمالایا به آتش کشیده شده است . جنگ خلقی که توسط حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و تحت رهبری رفیق پراچاندا آغاز شد ، همچنان از دل نبردهای خونین علیه دشمن به پیش می رود . تمامی هیولا ها و نوکران شان مذبحخانه دست در دست هم گزارده اند تا رژیم ارتجاعی نیپال را از مرگ محتوم نجات دهند . امپریالیزم آمریکا و دولت توسعه طلب هند ، نقش تبهکارانه خاصی در کمک به رژیم نیپال در کارزار های جنایتکارانه سرکوب بازی می کنند . دولت های ارتجاعی اسرائیل ، سریلانکا و پرو نیز درگیر ماجرا هستند . اما جنگ خلق به پیش روی ادامه می دهد . در حال حاضر دومیلیون نفر در مناطق گسترده ای که از چنگال سلطه دشمن خارج شده ، ساختن آینده نوین را آغاز کرده اند . آنان تحت رهبری حزب مشغول ایجاد نهادهای نوین قدرت هستند و از طریق سلاح هائی که از چنگ دشمن ربوده اند از این نهاد ها دفاع می کنند و آنها را گسترش می دهند . بدون شك راهی که در پیش است سهل و هموار نخواهد بود . هیچ پیشرفت تاریخی عظیمی ، سهل و هموار نبوده است . جنگ خلق مسلح به مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم پایداری خواهد کرد و پیروز خواهد شد . این جنگ به نوبه خود به

خلق های سایر کشورها خاصه در جنوب آسیا الهام می بخشد تاجنگ علیه امپریالیزم و ارتجاع را بر پا دارند .

13 - ما وعده ها و آینده ای که امپریالیست ها و نوکران شان نوید می دهند را دور می ریزیم ، آنان باد به غنغب می اندازند که مارکسیزم ، حزب کمونیست ، دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیزم بر اثر فروپاشی اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی ، شکست خورده است . آنان ادعا می کنند که دموکراسی و سرمایه داری غرب می رود تا به عصر نوینی از بهروزی و رفاه بینجامد . ولی نمی توانند منکر این واقعیت شوند که آنچه در اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی فروپاشید ، هیچ چیز جز رویونیزم و رشکسته نبود . نمی توانند منکر شوند که وعده های سرمایه داری تنها فلاکت بیشتر برای میلیون ها انسانی که قبلا توسط سوسیال امپریالیزم لگد مال می شدند، به بار آورده است . نتیجه ای که حاصل شده ، صلح نیست بلکه جنگ هائی است که مرتجعین به ره انداخته اند و رقابت های امپریالیستی به آنها دامن می زند . آنچه به ظهور می رسد صلح جهانی نیست بلکه مراکز جدید رقابت های امپریالیستی است .

از بین دوگرایش انقلاب و جنگ جهانی ، اولی عمده است . تضاد عمده بین امپریالیزم ، ملل و خلق های تحت ستم است . امپریالیست ها در بحبوحه اوضاع بی ثبات و جنگ ها و خیزش ها ، مشغول پرمدعائی و محاسبه سودهای خویش اند . ولی ما کمونیست ها فرصت های نوینی برای پرولتاریا و توده ها مشاهده می کنیم تا بار دیگر از طریق ایجاد و تقویت احزاب مائونیست نوین و برپا کردن جنگ خلق های جدید و گسترش و هدایت آنها بسوی پیروزی، مدعی میراث سوسیالیستی خویش شوند . ما این جنگ را در هر دو نوع کشور، خواه کشور های تحت سلطه امپریالیزم و خواه دژ های امپریالیستی ، برحسب شرایط مشخص هر کشور، بر پاک کرده و به پیش خواهیم برد . مسلما چنین خواهد شد .

14- اما درباره این ادعای امپریالیست ها و نوکران شان که بازار آزاد به عصر نوینی از صلح و رفاه می انجامد، چه باید گفت ؟ بگزارید به واقعیات نگاه کنیم . در آغاز قرن نوزده، سطح متوسط معیشت در ثروتمند ترین کشورها، فقط سه برابر فقیر ترین کشور ها بود . در سال 1900 ، این امپریالیست ها درباره بهبود هائی که در زمینه خدمات سخی و افزایش سن متوسط صورت گرفته حرافی می کنند . در حالیکه پیشرفته ترین و پر مصرف ترین خدمات صخی در اختیار ثروتمندان کشورهای غربی قرار دارد ، هر روز چهل هزار کودک در کشورهای "جهان سوم" در اثر بیماری های قابل علاج جان می دهند . در ایالات متحده آمریکا، از هر ده کودک ، یک تن در فقر مطلق بسر می برد . بیش از سی و پنج میلیون نفر به درجات گوناگون از گرسنگی رنج می برند . اما انقلاب تکنولوژیک چه ؟ نتایج معینی دارد؟ بله . یک نفر بنام " بیل گیتز " چنان ثروتی بهم زده که معادل مجموع تولید ناخالص ملی فقیر ترین کشورهای جهان است . به انترنت پردازیم . بسیاری ها دچار این توهم اند که انترنت به عصر جدید دموکراسی جهانی منکی بر ارتباط مستقیم مردم خواهد انجامید . اما روز به روز بیشتر روشن می شود که بطور کلی انترنت وسیله ای برای مرتبط کردن بازارهای گسترده سرمایه داری و تیز نمودن ارتباطات میان آنها ست . تحت این سیستم ، تکنولوژی و دانشی که طی نسل های بی شمار توسط نوع بشر ایجاد شده ، نه در خدمت رهائی بشر بلکه برای ثروتمند کردن تصاحب کنندگان آن به کار گرفته می شود . تازمانی که یک اقلیت منابع جهان را تحت مالکیت و کنترل خویش دارد و تازمانی که این اقلیت استثمارگر قدرت سیاسی را صاحب است ، ثروت و دانشی که توسط خلق های جهان ایجاد شده هرگز در خدمت منافع مردم قرار نخواهد گرفت .

15 - دریک ترانه قدیمی ، انقلابیون آیرلندی می خوانند: ما فقط جهان را می خواهیم . دقیقا همینطور است . پرولتاریا و توده های زحمتکش تنها خواهان این هستند . آیا خواست عادلانه ای

نیست؟ به نیروهای کور امپریالیزم بنگرید که چگونه حریصانه در پس کسب سود، نوع بشر را تکه پاره می کنند، کل کره ارض را به تباہی می کشانند و حیف و میل می کنند. به حاکمان مرتجع درکشورهای تحت سلطه نگاه کنید که چگونه خلق و سرزمین را به اربابان امپریالیست خود می فروشند تا حساب های بانکی شان را پر کنند و درناز و نعمت غوطه ور شوند. به موقعیت نوع بشر نگاه کنید که چگونه گرفتار ستم طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، قومی و کاستی است، چگونه گرفتار شوونیزم تحجر مذهبی، کارکودکان، تجارت بدن انسان، اشکال وحشیانه انقیاد فنودالی و فرورفتن در فلاکت غیر قابل تصورات است. به نیروی خلاقه بشر بنگرید که چگونه توانائی عظیم نیروهای تولیدی اش در اسارت یک نظام غیر منطقی و غیر انسانی به فغان آمده است. ما جهان را می خواهیم، همه آن را، و این تنها چیزی است که می خواهیم. ما مائونیست ها، متحد در " جنبش انقلابی انترناسیونالیستی " فاطعانه اعلام می کنیم به مسئولیت هائی که این خواسته محقانه توده های تحت ستم و استثمار سراسر جهان بردوش مان قرار داده است، عمل خواهیم کرد. بله، ما همدوش با مردم، متکی بر آنان و در خدمت آنان، نبرد را رهبری خواهیم کرد تا قرن بیست و یک را به قرن جنگ خلق ها تبدیل کنیم و به سوی آینده شکوهمند کمونیسم راه بگشائیم.

زنده باد انقلاب جهانی پرولتری!

زنده باد مارکسیزم - لنینیسم - مائونیسم!

زنده باد جنگ های خلق ها!

زمین و زمان را در دفاع از جان صدر گونزالو بهم بریزید!

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی باید در قلب ستمدیدگان جای گیرد!

" جنبش انقلابی انترناسیونالیستی "

اول ماه می 2000

(تایپ مجدد توسط حبیب)